



یادداشت

محمد ولیان پور

عبور از دوره صبر استراتژیک

برخورد نظامی میان ایران و آمریکا، گرچه فی‌نفسه و در نهایت ناگزیر می‌نماید، اما پس از سه هفته تهدید پنهان و آشکار، همچنان در حد گمانه‌زنی باقی مانده و این فرضیه را تأیید می‌کند که هیاهوی اعزام ناوها و جنگنده‌های آمریکایی و نمایش قدرتش در محیط پیرامونی کشور، بیش از آنکه نشانه جنگی فراگیر و قریب‌الوقوع باشد، نشانه ارباب و تصمیم‌سازی برای تسلیم است.

البته حملات مقطعی و دست‌اوردسازی از آن به‌شرط مدیریت ریسک و محدود بودن پاسخ و هزینه آن در چنین موقعیت‌هایی دور از ذهن نیست؛ کمااینکه یکشنبه گذشته فاش شد واشنگتن از طریق یک واسطه به تهران اطلاع داده حملاتی در ایران انجام خواهد داد و تهران باید این حملات را تحمل کند و پاسخ شدیدی ندهد.

این پیام، دقیقاً مشابه همان پیامی است که به گفته برخی منابع، پیش از حمله به تأسیسات هسته‌ای در یازدهمین روز جنگ ۱۲روزه داده شده بود و پس از ترور سردار سلیمانی نیز پیام مشابهی به ایران رسیده بود؛ جایی که آمریکا توانست پاسخ ایران را به‌موشک‌باران پایگاه‌های آمریکایی عین‌الاسد در عراق و العدید در قطر محدود کند و با اطلاع قبلی تا حد امکان از تلفات و خسارات خود بکاهد.

چنین پیام‌هایی در ادبیات بین‌الملل، نشانه پرهیز از جنگ تمام‌عیار و کنترل تبعات حمله و محدود کردن پاسخ طرف مقابل تلقی می‌شود. اما وجه دیگر آن، نمایش قدرت و بازیگری ایالات متحده در منطقه و تثبیت هژمونی او بر کشوری مثل ایران است؛ اینکه آمریکا هر وقت اراده کند می‌تواند حملاتی را انجام دهد و در قبالش توقع پاسخی محدود و کنترل شده داشته باشد.

اما گویا پاسخی که تاکنون به این پیام داده شده، متفاوت از پاسخ‌های پیشین است؛ هرگونه حمله به ایران، «اقدام جنگی» تلقی شده و در همان مراحل ابتدایی از کنترل طراحانش خارج خواهد شد. مفهومش این است که این بار تفاوتی میان حمله محدود و گسترده قائل نیستیم و پاسخ نظامی بر اساس ماهیت اقدام تنظیم خواهد شد، نه صرفاً ابعاد آن.

پیامی که اگر جدی گرفته شود می‌تواند هزینه هر گونه اقدام نظامی را بالا برده و تهدیدکننده را وارد محاسبات پیچیده‌تری کند. گرچه چنین جدیتی تاکنون در عمل به نمایش گذاشته نشده و مناقشات قبلی مبتنی بر «صبر استراتژیک» مدیریت شده‌است، اما پیام‌های قاطع اضلاع جبهه مقاومت، از انصارالله یمن تا حزب الله لبنان و به‌ویژه پیام کم‌سابقه مقاومت عراق، نشان از جدیت جبهه مقاومت در برابر چنین تعرضی دارد.

تثبیت هژمونی نظامی آمریکا و انتظار حملات به ایران با پاسخ محدود، کشور را علاوه بر سایه جنگ، درگیر جنگی فرسایشی و حملاتی مداوم خواهد کرد که به تدریج تهدیدها را متوجه هسته وجودی نظام سیاسی کرده و موجودیت ایران را تهدید خواهد کرد. اگر تاکنون تردیدی در این راهبرد وجود داشت، حالا دیگر می‌توان با قاطعیت گفت دوره انفعال و صبر استراتژیک به پایان رسیده است.

چه حمله و جنگی در کار باشد و چه نباشد، نفس این تغییر راهبرد است که می‌تواند آینده امنیتی کشور را رقم بزند و بازآرندگی و اقتدار را جایگزین سایه جنگ کند؛ سایه‌ای که آرامش روانی مردم و اقتصاد کشور را هدف گرفته و از خود جنگ مخرب‌تر و کشنده‌تر است؛ چون بخشی از پازل جنگ فراگیر شناختی و اقتصادی است که آرام و بی‌صدا جریان دارد و صدای انفجارش را گاهی در تلاطمات اقتصادی و فتنه‌های داخلی می‌توان شنید.

این رویکرد البته بدون هزینه نیست و برای پایان یافتن سایه جنگ، باید آمادگی جنگ و حتی حملات پیشدستانه را داشت. رویکردی که حتی در صورت وقوع جنگ، محاسبات دشمن را به هم بکشد رزد، هزینه تجاوز مجدد را افزایش می‌دهد و سایه جنگ را سال‌ها از سر کشور دور خواهد کرد.

خبر

در گفت‌وگوی یک‌ساعته رئیس مجلس یا سی‌ان‌ان برای نخستین بار پس از اغتشاشات دی‌ماه روایت یک مقام ایرانی از این وقایع مطرح شد

پاسخ به روایت یک‌طرفه از جنگ تروریستی

در حالی که در هفته‌های گذشته و پس از جنگ تروریستی اخیر، رسانه‌های جهان عرصه‌روایت یک‌طرفه‌علیه‌ایران،رئیس مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با شبکه‌تلویزیونی سی‌ان‌به‌بیان روایت این جنگ و ابعاد آن پرداخت و به تهدیدهای ترامپ نیز پاسخ داد. در شرایطی که هژمونی رسانه‌ای غرب، در همه ابعاد و اجرا، در حال دیکته کردن روایت خود از وقایع ۱۸ دی ماه‌است، ضرورت گفت‌وگوی بی‌واسطه با رسانه‌های معتبر و صاحب‌نام، بیشتر از هر وقت دیگری ضروری به نظر می‌رسد. افزون بر این، اساساً حضور خبرنگاران بین‌المللی در کشور، با وجود همه تک‌نگری‌ها می‌تواند زمینه‌ساز نشست واقعیت‌به‌جامعه‌رسانه‌ای غرب باشد.

به‌گزارش خانه‌ملت، دکتر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی صبح چهارشنبه با شبکه‌تلویزیونی آمریکایی سی‌ان‌ان گفت‌وگو کرد.

در این گفت‌وگوی یک‌ساعته که به زودی مشروح آن پخش خواهد شد، به تحولات منطقه و تهدیدهای آمریکا علیه ایران و نیز جنگ تروریستی اخیر علیه کشورمان پرداخته شد.

در این گفت‌وگو، دکتر قالیباف در پاسخ به پرسش‌های «فردریک پلیتگن» مجری این شبکه، ضمن تبیین ابعاد مختلف اتفاقات هفته‌های گذشته، ویدئویی نیز از حضور گروه‌های مسلح و خشونت تروریست‌ها علیه مردم ایران برای مخاطبان شبکه سی‌ان‌ان به نمایش گذاشت.

هدایت جاوید ا اوضاع عجیبی است. هر کس بر اساس

ارزیابی و درک خود نسخه‌ای می‌پیچد، یکی از قطعی بودن تهاجم آمریکا می‌گوید و دیگری همه چیز را در حدیک تنش حساب شده و بازی سیاسی پیش از رسیدن به توافق کاهش می‌دهد. در ارتباط با وضعیت مواجهه این روزهای کشورمان مقابل اقدام‌های خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌گویم. در رویارویی بیش از چهار دهه‌ای با محور شر اکنون پرده‌ها افتاده، تحریم، تطمیع و تهدید سیاست اعلامی آن‌ها بود که پس از ۷ اکتبر و سپس تجاوزات چندباره رژیم صهیونیستی علیه مراکز دیپلماتیک و نظامی ایران که در نهایت به جنگ تحمیلی ۱۲روزه و حمایت مستقیم دشمن از تروریست‌های مسلح در اغتشاشات اخیر ختم شد، چهره عریان خشن خود را به رخ کشید.

■ **سناریو**

حالا دیگر انگار همه انتظار رخدادی عجیب را می‌کشند. صهیونیست‌ها لفاظی و تهدیدی می‌کنند و دونالد ترامپ ناوگان بزرگ و زیبایی را به سوی خلیج فارس گسیل کرده. امیدها به دیپلماسی برای حل تنش‌ها نیز همچنان وجود دارد، اما اینکه منازعه تهران با واشگتن و تل آویو به چه سمت و سویی روان است پرسشی مهم است که بررسی آن خالی از لطف نیست. در شرایط کنونی دست کم پنج سناریو (در موازنه میان جنگ تا گفت‌وگو) مطرح است که به اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود.
الف. تهاجم نظامی گسترده؛ مطلوب نتانیاهو، تردید ترامپ: حمله مستقیم به خاک کشورمان که از سوی رژیم صهیونیستی یا آمریکا آغاز شود، هم اکنون توسط برخی محافل مطرح می‌شود، گزینه‌ای که البته خودشان به غیر قابل پیش‌بینی و تبعات بسیار خطرناک آن برای منطقه و جهان اشاره دارند. چنین ایده‌ای با هدف نهایی فروپاشی جمهوری اسلامی مطلوب تل آویو بوده و ترویج می‌شود. آن‌ها این‌گونه تبلیغ می‌کنند که تهران در ضعیف‌ترین حالت خود قرار داشته، پس بهترین زمان برای زدن ضربه است. در فاز نهایی تصمیم‌گیری، چنین حمله‌ای می‌تواند از سوی آمریکا یا اسرائیل کلید بخورد. مقامات رژیم به انجام اقدام تهاجمی دیگری علیه کشورمان تمایل دارند اما خود می‌دانند در صورت ورود تنهایی به چنین نزاعی شانسی پیروزی نخواهند داشت، از این رو با سناریوسازی مانند ضرب دادن به آمار کشته‌شدگان در اغتشاشات به دنبال متقاعد کردن آمریکا به مشارکت در چنین روندی هستند. این در شرایطی است که دونالد ترامپ با وجود همه لفاظی‌ها، به دلیل تجربه گرفتاری کشورش در باتلاق جنگ عراق و افغانستان، از

می‌نشانند و همه مسیر بن‌بست را یکسره به حاکمیت نسبت می‌دهد. این نه فقط ساده‌سازی، که نوعی شانه خالی کردن از مسئولیت است.

کاش یادداشت در حد روایت یک افسردگی پس از بحران باقی می‌ماند. دردناک آنجاست که نویسنده، خشم و سرخوردگی خود را در قالب گزاره‌هایی علیه دستگاه حکمرانی تخلیه می‌کند که بخش قابل توجهی از آن‌ها از واقعیت عینی جداست. گویی جامعه‌شناسی که مدام در یادگست‌هایش از ضرورت توجه به واقعیت روی زمین سخن می‌گوید، خودش در اینجا کاملاً منتزاع از میدان است و در خلأ حرف می‌زند.

فاضلی در آغاز یادداشت تأکید می‌کند سال‌ها در پی یافتن راه‌های مهار خشونت بوده و آن را «به هزاران زبان» به گوش خلائق به‌ویژه حاکمان رسانده‌است. اما پرسش اینجاست: خشونت از کجا آغاز شد؟ آیا خشونت فقط زمانی موضوعیت دارد که از سوی دولت اعمال شود؟ آیا تهییج، شعارهای خشونت‌بار، حمله به نیروهای انتظامی، مقرهای دولتی، نظامی و حتی مساجد مصادیق اعمال خشونت کور نبودند؟ قتل صبر نیروهای نظامی با سنگ، چاقو، دشنه و امثالهم می‌نشانند و همه مسیر بن‌بست را یکسره به حاکمیت نسبت می‌دهد. این نه فقط ساده‌سازی، که نوعی شانه خالی کردن از مسئولیت است.

کاش یادداشت در حد روایت یک افسردگی پس از بحران باقی می‌ماند. دردناک آنجاست که نویسنده، خشم و سرخوردگی خود را در قالب گزاره‌هایی علیه دستگاه حکمرانی تخلیه می‌کند که بخش قابل توجهی از آن‌ها از واقعیت عینی جداست. گویی جامعه‌شناسی که مدام در یادگست‌هایش از ضرورت توجه به واقعیت روی زمین سخن می‌گوید، خودش در اینجا کاملاً منتزاع از میدان است و در خلأ حرف می‌زند.

فاضلی در آغاز یادداشت تأکید می‌کند سال‌ها در پی یافتن راه‌های مهار خشونت بوده و آن را «به هزاران زبان» به گوش خلائق به‌ویژه حاکمان رسانده‌است. اما پرسش اینجاست: خشونت از کجا آغاز شد؟ آیا خشونت فقط زمانی موضوعیت دارد که از سوی دولت اعمال شود؟ آیا تهییج، شعارهای خشونت‌بار، حمله به نیروهای انتظامی، مقرهای دولتی، نظامی و حتی مساجد مصادیق اعمال خشونت کور نبودند؟ قتل صبر نیروهای نظامی با سنگ، چاقو، دشنه و امثالهم می‌نشانند و همه مسیر بن‌بست را یکسره به حاکمیت نسبت می‌دهد. این نه فقط ساده‌سازی، که نوعی شانه خالی کردن از مسئولیت است.

بررسی پنج سناریو پیش‌رود در تقابل ایران و آمریکا پیرو تهدیدهای اخیر ترامپ

شاه‌مهره‌های ایران در شطرنج خلیج فارس



ویژه دست می‌گذارند؛ محاصره دریایی با هدف جلوگیری از صادرات نفت ایران. در این راستا برخی مانند پیتر زیهان، تحلیلگر آمریکایی حمله نظامی را بعید دانسته ولی او معتقد است محتمل‌ترین گزینه مد نظر ترامپ از اعزام ناو آبراهام لینکلن به منطقه، محاصره دریایی ایران و مختل کردن چرخه صدور نفت کشورمان است. او البته این گام را به عنوان مرحله نخست پیش از حمله گسترده می‌داند. وی اعتقاد دارد ترامپ با الگوگیری از تحولات ونزوئلا به دنبال پیشبرد منافع خود در قبال ایران با کمترین هزینه بوده و این گزینه جدی در این مسیر است. این در شرایطی است که پیش‌تر تهران با استقرار ناو گروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش و ۱۰ فروند ناو کلاس غدیر به پشتیبانی دو ناو کلاس شهید سلیمانی سپاه، ناو اطلاعاتی و جنگ الکترونیک زاگرس و ناو پهپاد بر شهید باقری در ۱۰۰ کیلومتری ناو گروه آبراهام لینکلن راه اجرای چنین سناریویی را بر دشمن بسته است.

ت. صف‌آرایی نظامی؛ اهرم امتیازگیری: وال استریت ژورنال دیروز در گزارشی تحلیلی با اشاره به تحولات داخلی آمریکا، علت عقب‌نشینی سریع ترامپ در مینه‌سوتا و فراخواندن مأموران فدرال از این ایالت نوشت: ذات ترامپ عقب‌نشینی از ترس مواجه با هزینه‌هاست. در همین زمینه، بسیاری افزایش تهدیدهای دشمن را در نهایت با هدف متقاعد کردن تهران به انجام مذاکره می‌دانند. برخی در ایران هم که روی این نظریه تأکید دارند، معتقدند ترامپ به عنوان یک تاجر و قمارباز حاضر به ریسک کردن در حمله به ایران، اقدامی که می‌تواند برای وی تبعات داشته باشد، بنابراین هدف او

چطور؟ اگر این واقعیت‌ها را هم ندیده باشیم، آیا در همان سطوری که با خواندنش در پی تقبیح خشونت سیاسی حرف زده شده، این تجربه معاصر یادآوری نشده که خشونت سیاسی اغلب محصول پرهم کنش چندنیرو از جمله دولت، معترضان، لیدرها، رسانه‌ها و بازیگران خارجی است؟ پیش از این شهرآشوبی، یکی از تحلیلگران که طی یک دهه از میانه بحران سوریه تا زمان سقوط بشار اسد به این کشور رفت و آمد و در حال پژوهش و تحلیل بود در پاسخ به این پرسش که سناریو سوریه تا چه میزان در ایران قابل تکرار است، گفته بود چه مردم و چه معترضان و چه نظام، مدنی‌تر از جامعه و حکومت سوریه هستند و چنان توحشی دور از ذهن است. با دیدن اتفاقات دی ماه اخیر اما نوشت شاید ره به خطا برده؛ چرا که در سوریه ماه‌ها طول کشید تا نیروهای امنیتی سر بریده شده یا جنازه‌شان به آتش کشیده شود، اما اینجا همه در کمتر از دو روز رقم خورد. نادیده گرفتن این سوی ماجرا، تحلیل را از تعادل خارج کرده و چشم‌بستن بر حمایت‌های آشکار خارجی از سناریوهایی بی‌ثبات‌ساز، راه را برای متهم کردن یک‌سویه هموار می‌کند.

جامعه‌شناس منظور در بخش دیگری از یادداشت تأکید می‌کند: «اگر این واقعیت‌ها را هم ندیده باشیم، آیا در همان سطوری که با خواندنش در پی تقبیح خشونت سیاسی حرف زده شده، این تجربه معاصر یادآوری نشده که خشونت سیاسی اغلب محصول پرهم کنش چندنیرو از جمله دولت، معترضان، لیدرها، رسانه‌ها و بازیگران خارجی است؟ پیش از این شهرآشوبی، یکی از تحلیلگران که طی یک دهه از میانه بحران سوریه تا زمان سقوط بشار اسد به این کشور رفت و آمد و در حال پژوهش و تحلیل بود در پاسخ به این پرسش که سناریو سوریه تا چه میزان در ایران قابل تکرار است، گفته بود چه مردم و چه معترضان و چه نظام، مدنی‌تر از جامعه و حکومت سوریه هستند و چنان توحشی دور از ذهن است. با دیدن اتفاقات دی ماه اخیر اما نوشت شاید ره به خطا برده؛ چرا که در سوریه ماه‌ها طول کشید تا نیروهای امنیتی سر بریده شده یا جنازه‌شان به آتش کشیده شود، اما اینجا همه در کمتر از دو روز رقم خورد. نادیده گرفتن این سوی ماجرا، تحلیل را از تعادل خارج کرده و چشم‌بستن بر حمایت‌های آشکار خارجی از سناریوهایی بی‌ثبات‌ساز، راه را برای متهم کردن یک‌سویه هموار می‌کند.

جامعه‌شناس منظور در بخش دیگری از یادداشت تأکید می‌کند: «اگر این واقعیت‌ها را هم ندیده باشیم، آیا در همان سطوری که با خواندنش در پی تقبیح خشونت سیاسی حرف زده شده، این تجربه معاصر یادآوری نشده که خشونت سیاسی اغلب محصول پرهم کنش چندنیرو از جمله دولت، معترضان، لیدرها، رسانه‌ها و بازیگران خارجی است؟ پیش از این شهرآشوبی، یکی از تحلیلگران که طی یک دهه از میانه بحران سوریه تا زمان سقوط بشار اسد به این کشور رفت و آمد و در حال پژوهش و تحلیل بود در پاسخ به این پرسش که سناریو سوریه تا چه میزان در ایران قابل تکرار است، گفته بود چه مردم و چه معترضان و چه نظام، مدنی‌تر از جامعه و حکومت سوریه هستند و چنان توحشی دور از ذهن است. با دیدن اتفاقات دی ماه اخیر اما نوشت شاید ره به خطا برده؛ چرا که در سوریه ماه‌ها طول کشید تا نیروهای امنیتی سر بریده شده یا جنازه‌شان به آتش کشیده شود، اما اینجا همه در کمتر از دو روز رقم خورد. نادیده گرفتن این سوی ماجرا، تحلیل را از تعادل خارج کرده و چشم‌بستن بر حمایت‌های آشکار خارجی از سناریوهایی بی‌ثبات‌ساز، راه را برای متهم کردن یک‌سویه هموار می‌کند.

جامعه‌شناس منظور در بخش دیگری از یادداشت تأکید می‌کند: «اگر این واقعیت‌ها را هم ندیده باشیم، آیا در همان سطوری که با خواندنش در پی تقبیح خشونت سیاسی حرف زده شده، این تجربه معاصر یادآوری نشده که خشونت سیاسی اغلب محصول پرهم کنش چندنیرو از جمله دولت، معترضان، لیدرها، رسانه‌ها و بازیگران خارجی است؟ پیش از این شهرآشوبی، یکی از تحلیلگران که طی یک دهه از میانه بحران سوریه تا زمان سقوط بشار اسد به این کشور رفت و آمد و در حال پژوهش و تحلیل بود در پاسخ به این پرسش که سناریو سوریه تا چه میزان در ایران قابل تکرار است، گفته بود چه مردم و چه معترضان و چه نظام، مدنی‌تر از جامعه و حکومت سوریه هستند و چنان توحشی دور از ذهن است. با دیدن اتفاقات دی ماه اخیر اما نوشت شاید ره به خطا برده؛ چرا که در سوریه ماه‌ها طول کشید تا نیروهای امنیتی سر بریده شده یا جنازه‌شان به آتش کشیده شود، اما اینجا همه در کمتر از دو روز رقم خورد. نادیده گرفتن این سوی ماجرا، تحلیل را از تعادل خارج کرده و چشم‌بستن بر حمایت‌های آشکار خارجی از سناریوهایی بی‌ثبات‌ساز، راه را برای متهم کردن یک‌سویه هموار می‌کند.

از تدارک سازوبرگ نظامی، فشار بر تهران با هدف تن دادن به خواسته‌های وی است.

ج. دیپلماسی؛ مطلوب طرف‌های منطقه‌ای: هم‌زمان با آمادگی تهران برای مواجهه با سناریوهای مختلف تدارک دیده شده از سوی دشمن، قطعاً تهران و واشنگتن نیم‌نگاهی به مسیر دیپلماسی هم‌خواهند داشت، بر همین مبنا ترامپ هم‌زمان با ادامه طرح تهدیدها مدعی شده ایرانی‌ها خواستار مذاکره هستند. حتی اخیراً شایعاتی درباره ارسال پیام مکتوب واتساپی توسط عراقچی به ویتکاف هم طرح شد که البته از سوی وزیر امور خارجه رد شده است. هر چند جمهوری اسلامی دیپلماسی را به‌طور کلی کنار نگذاشته، اما با توجه به پیشینه بدهعی شخص ترامپ، خروج وی از برجام و مهم‌تر از همه دستور حمله به ایران هم‌زمان با مذاکرات، چندان اعتمادی به این گزینه نیست. در این فضا به نظر طرف‌های منطقه‌ای به دلیل هراس از تبعات یک درگیری گسترده مایل به حل تنش میان ایران با آمریکا از کانال دیپلماسی هستند. بر این اساس بود که روز گذشته برخی رسانه‌ها از ورود دوباره مصر به کودمیانجی‌گری در پرونده هسته‌ای و گفت‌وگوی وزیر امور خارجه این کشور با عراقچی خبر دادند. همچنین ترکیه، عراق، پاکستان و... حمایت خود از دیپلماسی را اعلام و حتی عربستان سعودی، امارات و قطر نیز به صراحت اعلام کرده‌اند به آمریکا اجازه نخواهند داد از پایگاه‌های نظامی و خاک آن‌ها حمله‌ای علیه ایران صورت دهد.

■ **عوامال بازدارنده**

سنار یوهای طرح شده در شرایطی است که تهران برای به چالش کشیدن هر گونه اقدام تهاجمی دشمن ابزارهای مهمی در اختیار دارد؛ از جمله ناوگان سطحی، زیرسطحی و قایق‌های پرسرعت که در کنار قدرت آتش پهپادی و موشکی می‌توانند با محقق کردن تهدید بستن تنگه هرزم در شرایط بحرانی - گذرگاهی که روزانه ۳۱ میلیون بشکه نفت از آن به بازارهای جهانی می‌رود - طرف‌های متخاصم را در وضعیت پیچیده‌ای قرار دهد. هم‌زمان از موج بیعت گروه‌های مقاومت در سرتاسر منطقه با ملت و رهبر ایران اسلامی و هشدار آن‌ها درباره اینکه هر گونه تعرض به کشورمان، به معنای یک جنگ همه‌جانبه در منطقه است نمی‌توان گذشت، موضوعی که تهاجم به ایران را به مسئله‌ای پیچیده برای دشمن تبدیل خواهد کرد. همین توان دفاعی است که طوق گفته سردار احمد وحیدی، جانشین فرمانده کل سپاه، اقدام نظامی دشمن را پرریسک و پرهزینه کرده و آن‌ها را از فکر درباره هر گونه ماجراجویی بازخواهد داشت.

کرده «ما به هر زبانی که می‌دانستیم درباره خطرناک بودن گذاشتن بارهایی فراتر از توان ژئوپلیتیک-ژئواکونومیک ایران بر دوش این سرزمین و مردمانش نوشتیم، هشدار دادیم و فریاد کشیدیم». این اعداد حالی مطرح می‌شود که تحولات اخیر منطقه نشان داده اگر ایران در یک حوزه بیرون از مرزها توانسته طرحی نسبتاً موفق را پیش ببرد، همان سیاستی است که بانقش آفرینی حاج‌قاسم شکل گرفت و تهدیدهای با فاعل را از مرزهای ایران تا سال‌ها دور نگه داشت. انگار نویسنده محترم فراموش کرده جولانی یک دهه پیش در سوریه شعار «علوی برود به تالیوت و مسیحی به بیروت» را سر می‌داد، علناً سر می‌برد و بدل به هیولایی شده بود که هر آن احتمال داشت تمام منطقه را در آتش خشونت جنون‌آمیزش بلعد و این ایران بود که نه فقط سوریه و عراق را بلکه تمام مردم منطقه را از دهان هیولایرون کشید.

مسئله این نیست که حکمرانی بی‌خطاست یا سیاست‌ها و تبعات آن نیاز به نقد ندارند؛ مسئله این است که پیچیدگی‌های میدان را حداقل نادیده نگیریم و این قدر راحت ساده‌سازی نکنیم. قطعاً این رویکرد از مرتبه‌سرابی و بن‌بست‌نمایی ثمربخش‌تر خواهد بود.

■ **یک اشتباه استراتژیک**

تاریخ در حال تکرار است، الگوی رفتاری ایالات متحده در قبال ایران و ونزوئلا، گواه زنده‌ای بر تداوم منطق استعماری است؛ منطقی که در آن، منابع کشورها، حق طبیعی قدرت‌های بزرگ تلقی شده و هر گونه مقاومت در برابر این زیاده‌خواهی، با برجسب «دیکتاتوری»، «تروریسم» یا «نقض حقوق بشر» در عرصه بین‌المللی سرکوب می‌شود. ایران و ونزوئلا دو جلوه از یک واقعیت جهانی اند: در نظم هژمونیک کنونی، استقلال دارای منابع، گناهی نابخشودن است. تا زمانی که این نظم پابرجاست دو کشور و یک نسخه همچنان تکرار خواهد شد و دیر نیست که همین مسئله دام‌نگیر کشورهای بی‌طرف در این معادلات شود.

اما عمیقاً اشتباه است اگر آمریکا با هر کشور در دنیا بر اساس شباهت‌هایی که از آن سخن گفتیم یا خود خیال کند چون گزینه نظامی و جنگ ترکیبی در ونزوئلا تا حدودی مؤثر بوده، در ایران اسلامی نیز مؤثر خواهد بود. حکومت جمهوری اسلامی ایران حکومتی از جنس مردم‌سالاری دینی است، حرکت مردم در مسیر ولایت الهی و تبعیت عقیدتی تا پای جان از ولایت فقیه، در یک کلام و باز هم به گواه تاریخ، زمین ایران بسیار سفت‌تر از آن چیزی است که غربی‌ها در مواجهه با طیف‌های مختلف چپ‌گرا در کشورهای گوناگون تجربه کرده‌اند و این بار هم معادلات و محاسبات مادی اندیشان خطا خواهد بود و جهانیان شاهد خواهند بود نیروی ایمان بر تیزی شمشیرهای کفار پیروز است؛ چراکه وعده و سنت الهی است که: «إِنْ تَتَّبِعُوا اللَّهَ يَتَّبِعْكُمُ».